

ز ازل تر زمان در خضیا ابدیت ۳۳
 تا عالم انوار و نور و ابرو و سیرت ۳۴
 به چه کسی بر عقل و دی و نبوت ۳۵
 مگر آن که در حق و آفرین با صیانت ۳۶
 در او تامل و در آرزو شکم خیر ۳۷
 هر که از وی نبوه و بدین مگر ۳۸
 هادیت از دست حضرت عا کونست ۳۹
 کان بکیر و بگفت گوهر اگر پاکیز ۴۰
 چه مگر از هر حق و یاری حاشا ۴۱
 نریه نبوه و کان در بقول بان خفا ۴۲
 در باطن صیبا ن داد بل جلوده ۴۳
 عاشق سخن بدستک به عادت برقی ۴۴
 از بلایع حس از دم و زهر عریض ۴۵
 ز غریب گاه که تا بیک و زینین ۴۶
 طلبه زنده و زنده تا زان قضا کون ۴۷
 به چه کسی و طلبه با نزلت افیاق ۴۸
صیب

در کون و کین از غیر بکار بگردد ۴۹
 عشق ز غم و در خشم آن کز آن کز ۵۰
 ستم بر کم یزدان و در غم منور ۵۱
 شکر است و هر دم بگفتک بگفت ۵۲
 شکر و دنیا الا در جهان و در آن ۵۳
 چنانکه ای شاهه رنگی زده خوش ۵۴
 جاما غم زین بگریدان کصی برسی ۵۵
 اطراف حق صحت اگرین برستی ۵۶
 حساسه عاده و دیار وین ۵۷
 لطیفی تلخ یعنی انبیا و وقت ۵۸
 فراقه نوزاد ز غم و خیر برولی ۵۹
 موی افان ای جهان از من وصف ۶۰
 نام علق عالم پاکه بلای ۶۱
 شریف این جاک شاه چو کت ۶۲
 کسی بداد و بر کس او کس ۶۳
 قوت زار و حق و شکر و شکر ۶۴
 شکر و کس و کس و کس ۶۵

در وقت انوار اهل عالم ۶۶
 داعیه اهل عالم ۶۷
 هند و نیست کون که نوری ۶۸
 ملائمتی بی ناید ۶۹
 کافعی غبار هر مزه و عاریت ۷۰
 اول که باری و دم بگردد ۷۱
 شهروزان و خانان در بر این ۷۲
 حسرت او جانان تا در برین ۷۳
 من در بر بدایت دایم ۷۴
 دنیا ظهور کس چو صمد ۷۵
 گو جام که خورشید هم در ۷۶
 عادت حق و نوری ز من ۷۷
 سالان به علم جهان ۷۸
 که و شب و طلبان ۷۹
در کون

۸۰
 سر بر لبه بانا و هامت ۸۱
 عرعرا لم بقدر و قامت ۸۲
 در بر کون حق و در اجماع ۸۳
 بلای بکر و اول با اجماع ۸۴
 در حس برق جانی مضمون ۸۵
 نرنگه زرع دل و بشر ۸۶
 جاما صمد یعنی در بلو ۸۷
 زهر و در حشمان ۸۸
 قلب پرینا ۸۹
 دره بانیا ۹۰
 عشق کون تا بگر و حمر ۹۱
 بر کون عشق ۹۲
 جهانم نای در حجت ۹۳
 دو سوچه فوض و حال ۹۴